



ماهنامه شهیاد - شماره ۸۶

پروانه وزارت کشور شماره ۲۱۲۹

سردبیر و مدیر مسئول: کمال پنجازی

تلفن/فکس: ۰۳۸۵۰۳ پلخن: ۰۵۲-۸۳۶۳۴۹۱

صندوق پستی ۱۲۳۴ خولون ۵۸۱۱۲

שׂהיָאָד - גליון מספר 86

רשיון משרד הפנים מס. 2129

מ״ל: פנחסי קו הפקות * עורך ראשי: פנחסי כמאל

טל/פקס: 03-5038503

פלאפון: 052-8363491

ת.ד. 1234 חולון 58112

سایت اینترنت (כתوبتینو באیترنٹ): web.address:

www.shahyad.net

پست الکترونیکی (دوار اלקترونی): E-mail:

penhasi@gmail.com

אין המערכת אחראית על תוכן המודעות. כל הזכויות על עיצוב גרפי של המודעות שמורות למערכת

- # مسئولیت تنظیم متن آگهیهای مندرج با هیات مدیره نمیباشد.
- # مطالب رسیده از خوانندگان برایشان پس فرستاده نخواهد شد.
- # شهیاد در اصلاح، حك و کوتاه کردن مقالات رسیده خود را مجاز میداند.
- # مقالات وارده صرفاً عقیده نویسنده بوده و چاپ آن دلیل بر تأییدش از سوی مجله نمیباشد.
- # شهیاد از چاپ مقالات و مطالبی که با اصول اخلاقی، امنیت و منافع ملی مغایرت دارند، معذور میباید.
- # حق چاپ، تکثیر، تقلید، فوتوکپی و استفاده از طراحی آگهیها بدون اجازه کتبی از دفتر مجله حتی برای آگهی دهندگان ممنوع میباشد.
- # استفاده از مقالات با ذکر "مجله شهیاد در اسرائیل" مجاز است.
- # شهیاد در انتخاب و چاپ مطالب رسیده و آگهیها مجاز است.

سرمقاله

خوش بحال روسها

گروهی که خواهی نخواهی بغیر از مسائل سود شخصی اش، بخشی از آن نیز به فرهنگ و ادب ملت مربوط میشود، نباشید، درد ما را نیز نمی فهمید.

کاش خدا من را روسی آفریده بود که لااقل اگر از بین هزاران شغل و کسب و کار دنیا به کار انتشارات رو میاوردم، مثل دیگر هم شغلی هایمان نونم سکه بود و فرق نمی کرد که آیا مجله ام ادبی فرهنگی سیاسی باشد یا یک مجله سراسر لختی و پورنوگرافی.

۴ ماه از انتشار آخرین شماره شهیاد گذشت و بغیر از تعداد انگشت شماری از دوستان هیچ کس هم ککش نگزید که آیا مشکل چیست و چرا تنها مجله مستقل ایرانی این مملکت همراه مشکل زمانی دارد؟

شاید هم اشکال از خود ما بر و بچه های دفتر مجله است که باید مثل همکاران اسرائیلی خود رفتار سگی با مشتریان داشته باشیم که آقا اگر تو قرارداد ۴ بار آگهی داری و بعد از یک شماره با ضعف جیبی روبرو شدی طبق قرارداد یا باید پول آنرا پرداخت کنی یا حسابت با وکیل و دادگاه است.

شاید بهتر این باشد که از آبرو و شرف خود بگذریم و ما هم مثل روزنامه های اسرائیلی همانطور که یکی دونفر پیشنهاد به ما داده اند آگهی های خدمات آنچنانی را چاپ کنیم تا ملت ما درک کنند که زندگی در یک کشور به حساب نیمه اروپائی، غیرت و فرهنگ و آبروی ایرانی ما آب سرش نمی شود.

اصلاً خدا را چه دیدیم؟ شاید یکروز ما هم برای راضی کردن شخص "گایداماک" یکی دو صفحه ای از شهیاد را هم بزبان روسی چاپ کردیم و هر چه بادا باد.

کسانی که در اسرائیل زندگی میکنند، خوب میدانند که جامعه روس (شامل تمامی جمهوری های سابق و مستقل و وابسته آن) چه اسم و رسمی در این مملکت دارند. هیچ ملتی مثل همین روسها را سراغ نداریم که تا اسمشان را بزبان میاوریم اولین چیزی در اذهان تداعی میشود شغل ناشرین بسیاری از زنان آنهاست، اما در عوض اتحاد بین آنها را نیز هیچ کس و ناکسی ندارد. خوب میدانیم که گذشته از سازمان بازی و ادارات و مدیریستان، یک حزب درست و حسابی دارند که ظرف همین مدت کم، هم دولت را بزانو درآورده و هم تا چند سال دیگر ممکن است مملکت را هم صاحب شوند.

و کی مثل شما میدانند که ما ایرانیها اینهمه میلیونر و پولدار متکبر و چاق و چله بی بخار داریم ولی یک میلیونر روس، با یک تیم فوتبال و چند سرمایه گذاری در اینجا و آنجا کم کم دارد صفحه اقتصادی این کشور را بدست میگیرد.

ولی چیزی که اصلاً برای مردم ما، یعنی ما ایرانیان مقیم اسرائیل مطرح نیست، این است که همین روسهای بحساب ما لامذهب، شمار روزنامه و تلویزیون و رادیوهایشان دیگر از حساب بدر رفته و ما ملت قمپز درکن ایرانی هنوز گیر یک نشریه نیمه جانی هستیم که در پانزدهمین بهار زندگی اش باید دوباره بخاطر کمبود بودجه و آگهی و مشکلاتی از این قبیل شروع به صرفه جوئی های دوباره کند تا چند صباحی دیگر به عمر خود ادامه دهد.

بخدا قسم تا شما سردبیر و صاحب مجله و یک رسانه

خاطراتی از رضاشاه پهلوی

اعطاء لقب "کبیر"

بسرودمان سلسله پهلوی

طرحی که به امضاء شصت نفر از نمایندگان مجلس شوراایلمی رسید در جلسه ۱۷۵ دوره پانزدهم قانونگزاری که در روز یکشنبه بیست و نهم خرداد ۱۳۲۸ در مجلس شورای ملی تشکیل گردید از طرف سلطانی نماینده بهبهان طرحی با قید دو فوریت و بامضاء شصت نفر از نمایندگان تقدیم مجلس شورای ملی گردید. بااستناد این طرح نمایندگان امضاء کننده از مجلس تقاضا داشتند که به پاس خدمات صادقانه شاهنشاه فقید بکشور ایران لقب "کبیر" به سر سلسله دودمان پهلوی داده شود.

رضا حکمت رئیس مجلس بلافاصله پس از دریافت طرح مـزبور آنرا در دستور قرار داده نسبت بفوریت آن رای گرفته شد و پس از مذاکراتی تصویب



گردید. سپس در جلسه ۱۷۶ که دو ساعت و ۳۵ دقیقه قبل از ظهر روز سه شنبه سی و یکم خرداد ۱۳۲۸ تشکیل گردید متن طرح پیشنهادی مورد شور قرار گرفته پس از مذاکرات مخالفین و موافقین با کثرت آراء تصویب گردید.

چون این جلسه از هر حیث جالب توجه بوده و نطق های ایراد شده شاهد گویائی بر خدمات شاهنشاه فقید می باشد متن این دو صورت جلسه (۱) را از شماره ۱۲۶۴ و ۱۲۶۶ روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران در زیر نقل میکنیم:

- جلسه ۱۷۵ -

- رئیس: اگر اجازه میدهید چون وقت خیلی نمانده و نیمساعت بیشتر وقت نداریم طرحی که از طرف جمعی از نمایندگان با دو فوریت پیشنهاد شده

طرح شود. چون مخالفی نبود بشرح زیر قرائت گردید:

- سلطانی: مقام محترم ریاست مجلس شوراایلمی، خواهشمندم طرح تصمیم زیر را مقرر فرمائید در مجلس شورای ملی قرائت و رای گرفته شود:

ساحت مقدس مجلس شوراایلمی، نمایندگان ملت ایران با توجه به تحولات عظیمی که در دوره زمامداری و سلطنت اعلیحضرت شاهنشاه فقید رضاشاه پهلوی در شئون مختلف کشور بوقوع پیوست و با سنجش و مقایسه دقیق بین این ترقیبات نجات بخش و اوضاع تاسف انگیز دوره های قبل از آن اعلام میدارند: از لحاظ ابراز خلوص عقیدت و حق شناسی ملت ایران در برابر مقام جلیل و خدمات بی نظیر اعلیحضرت شاهنشاه فقید و تجلیل از تحول عظیمی که آن اعلیحضرت در کلیه شئون مملکت بوجود آورد و فصل جدیدی در راه تجدید دوران مجد و عظمت تاریخی ایران باز کرده اند (احسنت) و در واقع سلطنت با شکوه آن اعلیحضرت مبدا نهضت اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و مظهر نشوونیر و غرور ملی بوده است، از اینجهت ملت حقشناس ایران بقیه در صفحه ۸



سخن شاه

* تا وقتی که ورشکستگی بین المللی فوق العاده روی ندهد، مساله تجدید نظر در قراردادهای نفتی تهران مطرح نیست.

* بریتانیا با خروج از خلیج فارسی هیچ خلایقی ایجاد نمی کند. (شاهنشاه در مصاحبه با یک روزنامه فرانسوی - ۱۲/۳/۱۳۵۰)

* پیش از پایان سال، ۳ جزیره هرمز را پس میگیریم. (شاهنشاه - ۵ تیر ۱۳۵۰)

* منطقه خلیج فارس را حفظ می کنیم. * قوای مسلح ایران را در هوا، زمین و دریا برای مقابله با هر پیشامد تقویت خواهیم کرد.

(شاهنشاه در اجلاسیه جدید مجلسین سنا و شورای ملی ۱۴ مهر ۴۹)

* شاهنامه یکی از ارکان ملیت ایرانی است. (پیام شاهنشاه در اجلاسیه شاهنامه - ۷ آبان ۱۳۴۸)

صد نفر گریه کن میخواهیم

گزارشی از موسسات ارائه خدمات ترحیم در ایران

گزارشی که میخوانید، مقاله ایست از روزنامه همشهری که چه از لحاظ ماهیت خبری تحقیقی آن و چه از نظر نکات سؤال برانگیزش در رابطه با ترفندهای زیر میز سرمداران جمهوری اسلامی بسیار جالب و خواندنی بنظر میرسد. گزارشگر مقاله در مجموع سعی دارد گزارشی از يك موسسه در ایران که خدمات مدرن و نوینی !!! را به مردم ارائه میدهد درج نماید، ولی در جمع این مقاله سوالات دیگری را برمی انگیزد و آن اینکه موسسه ارائه خدمات گریه و عزاداری در ایران آیا این خدمات خود را برای عزاداریهای دولتی، نمایشهای نماز جمعه، تظاهرات سالیانه و خلاصه انتخابات ریاست جمهوری نیز ارائه میدهد یا نه؟ چرا که معیار حقوق دریافتی صاحب شرکت خدمات گریه و سینه زنی برای يك مراسم ختم خانوادگی با بیش از ۱۰۰ نفر و يك مراسم تظاهرات دولتی با صدها هزار نفر بعلاوه يك پرس چلوکباب برای هر راس از افراد بیکار، غیرقابل مقایسه خواهد بود.

مقاله را بخوانید و خود این دو واقعیت را در ذهنتان تجسم نمائید:

صد نفر گریه کن می خواهیم. این تنها يك سفارش ساده است. مرد



میگوید: صد نفر می خواهد تا بیایند در مراسم دوستش که کسی را ندارد گریه کنند و بعد مذاکره در مورد قیمت شروع می شود. نفری ۱۰ هزار تومان گران است. چانه زدن جزئی از کار اوست. ۷ هزار تومان توافق می شود. تابوت روی دست ها می رود، مشاعیت کنندگان با چهره های مغموم پی اش. يك تشییع جنازه باشکوه، مثل فیلم های سینمایی. سیاهی لشگرها زور می زنند تا قطره ای اشک روی گونه هایشان بچکد. چهره برخی نیز بی شباهت به چهره زار و نحیف الیور توئیست نیست، زاده شده باشند برای گریه کردن انگار.

صد نفر مشاعیت کننده مرد مرده، حالا ناهار را خورده اند. دستمزدهایشان را می گیرند و رهسپار خانه هایشان می شوند، تا شاید روز دیگری، خانواده دیگری برای خاکسپاری عزیزش، گریه کن حرفه ای بخواهد.

مدیر موسسه خدماتی می گوید: ارائه خدمات فوت سال هاست در خارج از ایران مرسوم است اما در ایران این کار هنوز جا نیفتاده. در این حرفه بیش از یکی دو شرکت فعال نیستند.

تمام خدمات تدفین و ترحیم توسط این موسسات ارائه می شود. از تشییع، تدفین، رزو و وسایل ایاب و ذهاب و مسجد، مداح، سخنران و سفارش اعلامیه گرفته تا رستوران، تهیه و سرو غذا، مجله، حلوا، فیلمبرداری، تزئین ماشین عزا و تاج گل. چهره مدیران موسسه گویی از شغلشان تاثیر پذیرفته، همانطور که صدایشان از پشت تلفن.

بسته به نوع خدمات، قیمت متفاوت است. در هر صورت ما ۱۰ درصد فاکتور خدمات ارائه شده را به عنوان دستمزد دریافت می کنیم. همه چیز شفاف، شفاف است. قیمت يك مراسم يك روزه آبرومند ۱۵۰ نفره با ناهار روز تشییع جنازه و مراسم ختم در يك مسجد حدود يك و نیم میلیون تومان می شود. این را مدیر موسسه می گوید. در مدتی که او خدمات مجالس ترحیم ارائه می دهد، غذاهایی مانند چلوکباب کوبیده، چلو مرغ و چلو جوجه کباب با اقبال بیشتری مواجه بوده. اغلب مراجعان این شرکت برای مراسم ناهار ختم يك نوع غذا سفارش می دهند، اما به گفته مدیر یکی دیگر از موسسات هستند خانواده هایی که دوست دارند، میز شام مجلس ترحیمشان با چندین نوع غذا پر شود.

مدیر موسسه می گوید: ما بیشتر در بالای شهر تبلیغ می کنیم. چون بیشتر مردم این منطقه به ما مراجعه می کنند. موسسات خدمات ترحیم در جنوب شهر مشتری چندانی جذب نکرده، در این مناطق چهار تا همسایه و دوست و آشنا جمع می شوند و کارها را انجام می دهند.

فکر می کنید دستمزد گریه کردن چقدر باید باشد؟

بیشتر گریه کن های حرفه ای، کارگرهای خدماتی هستند که موسسه با آنان در ارتباط است و در زمان نیاز بقیه در صفحه بعد

انترناسیونالیسم ایرانی

در پی اعلام این نکته که تاکنون ۶۵۰۰۰ شرکت تجاری ایرانی در دبی ثبت شده اند، یکی از ایرانیان گفت: ما ایرانی ها صبح در تهران از خواب بیدار می شویم اما محل شرکت تجاری و مرکز خریدمان در دبی است. استعدادمان در تهران کشف شده، اما نوع مان در اروپا شکوفا می شود. برای تحصیل به فرانسه یا لندن می رویم، اما چون از کار در اروپا خوشمان نمی آید در ایالات متحده آمریکا کار می کنیم.

برنامه های تلویزیونی مان از لس آنجلس پخش و در خرم آباد دریافت می شود. فیلمهای مان را در بیابان های ایران می سازیم، اما در ونیز و پاریس و برلین آنها را نمایش می دهیم و از آنجا جایزه فیلمسازی می گیریم. در کلن طرفدار جمهوری و در تهران طرفدار سلطنت هستیم، مهم ترین مقالات سیاسی مان در اوین نوشته می شود، اما در پاریس خوانده می شود. از واشنگتن نامزد انتخابات می شویم، اما صلاحیت مان در تهران رد می شود. بنابر این در برلین انتخابات را تحریم می کنیم و در لندن تصمیم می گیریم رفراندوم برگزار کنیم. در هلند عضو پارلمان و در اسرائیل رئیس جمهور می شویم. در تهران با حکومت مخالفت می کنیم، در عراق با حکومت می جنگیم، اما در لبنان از حکومت دفاع می کنیم.

در تهران کنسرت موسیقی راک برگزار می کنیم، اما در فرانکفورت کنسرت موسیقی سنتی مان با استقبال آلمانی ها روبرو می شود. در آنکارا در کنسرت موسیقی پاپ ایرانی شرکت می کنیم، اما در آنتالیا می رقصیم. در کانادا برنده مسابقه ملکه زیبایی می شویم. حقوق زنان مان در مشهد نقض می شود، اما در سوئد از حقوق زنان دفاع می کنیم. ولیعهدمان در آمریکاست، ملکه مان در یکی از شهرهای فرانسه زندگی میکند، رئیس جمهور سابق مان در پاریس زندگی میکنند، رئیس قوه قضائیه مان متولد عراق است، در عوض نخست وزیر عراق سالها در ایران زندگی میکرد و رئیس جمهور اسرائیل متولد ایران است. در ایران زندگی می کنیم، در ترکیه تفریح می کنیم، در آمریکا پولدار می شویم و برای مرگ به ایران برمی گردیم.

(طنز روز به قلم سید ابراهیم نبوی)

همواره آن شاهنشاه را بنام کبیر یاده کرده است از اینروز به پیروی از نیت ملت ایران امضاء کنندگان زیر اتخاذ تصمیم ذیل را با قید دو فوریت پیشنهاد میکنیم.

- مجلس شورای ملی: به پاس حشمتناسی ملت ایران تصویب میکند عنوان رسمی سرسلسله دودمان عظیم الشان پهلوی "اعلیحضرت رضاشاه کبیر" خواهد بود. این تصمیم باید بر لوحه ای طلا حک و در آرامگاه شاهنشاه فقید نصب گردد (صحیح است).

- رئیس: قریب به شصت امضاء دارد و دو فوریت دارد و البته وقتی فوریت ها تصویب شد برای طبع و نشر فرستاده میشود و بعد از ۲۴ ساعت یعنی در جلسه بعد مطرح میشود و فوریت اول مطرح است. آقای مکللی مخالفید؟ بفرمائید. لازم به یادآوریست که تنها يك نماینده مجلس (مکی) با این طرح مخالفت نمود. □

ادامه صد نفر عزادار

از آنان برای گریه کردن دعوت به کار می کند. وقتی از سر و وضع ظاهر گریه کن ها می پرسم، می گوید: معمولی، در تشییع جنازه ها همه جور آدم هست. حالا اگر دلتان بخواهد، خیلی یکدست باشند، می توانید برای هر کدام يك دست کت و شلوار یا مانتو و روسری بخرید. دستمزد کسی که به عنوان مشایعت کننده در مراسم شرکت می کند، ۷ هزار تومان است و اگر گریه کند، این مبلغ به ۱۰ هزار تومان می رسد. علاوه بر این تامین ناهار گریه کن ها به عهده میزبان است. وقت ناهار که نمی شود گفت... مهمان ها يك طرف، کارگرا يك طرف. صاحب مجلس باید برای همه ناهار تدارک ببیند.

صحبت های مدیر موسسه تازه گل انداخته. او آنقدر از مزایای خدمات ترحیم می گوید که هوس می کنی، همین امروز دار فانی را وداع گوئی.

... ما سعی کرده ایم، تشییع جنازه را در شمال شهر دوباره باب کنیم. وقتی صاحب عزا با ما مشاوره می کند، می گویم بهتر است، حتما تشییع جنازه شود. از دم خانه تا صد متر آنطرف تر جنازه را تشییع می کنیم.

شاید چند سال دیگر، مراسم ترحیم و تدفین هم آنقدر آداب و رسوم پیچیده پیدا کند که خانواده برای عقب نماندن از قافله در هزینه کردن از هم سبقت بگیرند. هرچند در حال حاضر هم برخی از مراسم های عزاداری دست کمی از مراسم عروسی ندارد. ماشین عزا و تشریفات خاص آن، فیلمبرداری، شام، مداح گرافیمت، صندلی و... .

همشهری - ۸ مهر ۱۳۸۳ شماره ۳۵۱۰ (سهیلا بیگلر خانی)

-- پایان --